

نویسندگان و شعرای فارسی‌گوی یوگسلاوی

اگر چه عده بزرگی از اهل قلم در عثمانی که ضمناً از اهالی ممالک یوگسلاوی بوده‌اند اصل خود را عمداً پوشیده‌اند و بدین ترتیب در مقابل طعنه و تمسخر ترک‌های اصیل از خود دفاع می‌کردند باز در کتب و تذکره‌ها فراوان به اسامی بر می‌خوریم که از روی کنیه آن‌ها معلوم می‌شود که اهل بوسنی یا هرزگووین و یا نقاط دیگر یوگسلاوی بوده‌اند. باشاگیچ می‌گوید که ترک‌های عثمانی از شعرا و نویسندگان بوسنوی و هرزگووینی بعات بوسنوی و هرزگووینی بودنشان بطور شایسته‌ای استقبال نکرده‌اند اگر چه آثارشان از لحاظ علمی و ادبی همسطح و یا بالاتر از آثار ترک‌های اصیل بوده‌است.

بعد از استقرار اولین قبایل ترکمان در آسیای صغیر - یعنی از دوره سلاجقه روم تا نیمه قرن ۱۹ میلادی و مخصوصاً بعد از تشکیل دولت عثمانی (در اول قرن ۱۴ میلادی) زبان و ادبیات فارسی یکی از عوامل مؤثر در فرهنگ این سرزمین بشمار میرفته است و بمرور زمان که دامنه متصرفات آل عثمان تا قلب اروپا کشیده می‌شده است زبان فارسی نیز در این قبیل متصرفات رواج می‌پذیرفته است. برای اثبات این ادعا کتب متعدد و دواوین و فرامین سلاطین عثمانی تا صدسال پیش بهترین دلیل است.

چندتن از سلاطین عثمانی بفارسی شعر گفته‌اند و در میان آنها باید اسم سلطان ایلدرم بایزید و سلطان سلیم و سلطان سلیمان قانونی را ذکر کرد.

د... معروف است که سلطان سلیم حتی در مواقعی که با ایرانیان مشغول جنگ و جدال بوده است زبان آنها را برای مقاصد ادبی بکار برده است^۱

صاحب کتاب هفت اقلیم مینویسد که هنگام جلوس سلطان سلیمان خان قانونی امینی شاعر قصیده‌ای سروده که تمام مصراعهای آن متضمن ماده تاریخ جلوس اوست. مطلع این قصیده چنین است

بداده جهان ملکت کامرانی بکاوس عهد و سلیمان ثانی^۱

رواج زبان و ادبیات فارسی در عثمانی و علاقه‌ای که سلاطین آندیار بدان نشان میدادند موجب پیدایش عده بسیاری از نویسندگان و شاعران فارسی‌گوی در عثمانی شده است که بجز عده‌ای ایرانی مهاجر بقیه ترک یا اهل مناطقی بوده‌اند که در آن روزگار در قلمرو حکومت دولت عثمانی قرار داشته‌است بین آنان عده‌ای نیز از ساکنین بعضی از ایالاتی که امروز کشور یوگسلاوی را تشکیل میدهند بوده‌اند^۲ زیرا در این ایالات عده‌ای از ساکنین تدریجاً از روزی که بدست عثمانیان افتادند بدین اسلام میکرویدند. بعضی از شعرای این دسته هنگام فعالیت‌های دیگر شعر فارسی نیز می‌سرودند و بعضی دیگر از شعر و شاعری و بطور کلی از راه قلم معاش روزانه خود را تأمین میکردند.

فهرست اسامی اشخاصی که اهل یوگسلاوی بودند و بزبان فارسی شعر می‌سرودند و یا نشر مینوشتند فعلاً از این قرار است:

- ۱ - محمود پاشا که تخلص او عدنی بوده است (منظور نه اینست که وی اهل عدن بوده است بلکه تخلص او عدنی بمعنی بهشتی است) (متوفی در سال ۸۷۹ هجری)
- ۲ - درویش پاشا (متوفی در سال ۱۰۱۲)
- ۳ - توکلی ده ده سراپلی (متوفی در قرن یازدهم و طبق روایتی سال ۱۰۳۵)
- ۴ - نرگس السرائی (متوفی در سال ۱۰۴۴)
- ۵ - خسرو پاشا سکولوویچ (متوفی ۱۰۵۰)
- ۶ - احمد صبوحی (متوفی در قرن یازدهم و طبق روایتی در سال ۱۰۵۰)
- ۷ - احمد طالب (متوفی ۱۰۸۵)
- ۸ - احمد یسری (متوفی ۱۱۰۵)
- ۹ - احمد رشدی (متوفی ۱۱۱۱)
- ۱۰ - رشید (متوفی در اول قرن دوازدهم)
- ۱۱ - علی زکی کیمیاگر (متوفی ۱۱۲۳)
- ۱۲ - لدنی (متوفی ۱۱۳۳)
- ۱۳ - حاج مصطفی مخلص (متوفی بعد از ۱۱۶۱)
- ۱۴ - شیخ فوزی الموستاری (متوفی ۱۱۶۰)

- ۱ - این اطلاع را از نامه‌ای نقل میکنم که آقای عمادالدین طبری بمدير مجله راهنمای کتاب درباره مقاله نگارنده این سطور نوشته‌اند و برای اطلاع صمیمانه از ایشان تشکر میکنم. ر.ک بشماره ۱ و ۲ سال ششم راهنمای کتاب ص ۱۴۰-۱۴۲
 - ۲ - مانند بوسنی و هرزگووین و مقدونیه و قسمتی از منته نگر و ورسبان
- فهرست اسامی اشخاصی که اهل یوگسلاوی بودند و بزبان فارسی شعر می‌سرودند و یا نشر مینوشتند فعلاً از این قرار است:

۱ - عدنی

محل تولد او گویا در صربستان و طبق بعضی روایات در کراسی بوده است ۱ دربارہ اسم خانوادہ او در میان مورخین و محققین و مؤلفین مورد اختلاف نظر است .

پاشا گیچ در یکی از کتب خود میگوید کہ - اسم خانوادہ محمود پاشا (عدنی) پانکوویچ - بوده است ۲ یک مورخ یونانی آنروزگار اسم خانوادہ او را ابوگوویچ ۳ مینویسد ۴ و در مکاتباتی کہ جمهوری دوبروونیک بدولت عثمانی میفرستادہ است نام او را آنچلوویچ ۵ و بوگویہ ویچ ۶ ذکر کردہ است ۷

عدنی اولین شخصی از یوگسلاوی است کہ در ادب اسلامی و شرقی اهمیت زیادی داشته است. و او نیز یکی از ۲۱ صدراعظم دولت عثمانی کہ اهل ممالک یوگسلاوی بودہ اند میباشد وی در بچگی از طرف غارتگران عثمانی در نیمہ اول قرن ۱۵ در یکی از هجومهایشان از درون دارالجهاد بہادر نہ (پایتخت آن زمان عثمانی) بردہ شد.

طاشکبری زادہ در باب سہ نفر دوست و هموطن کہ جزو آنان عدنی (وزیر محمود پاشا) و دو تن دیگر از دانشمندان آن زمان بنام عبدالکریم و مولی ایاس بودند چنین میگوید:

... و کان هو (عبدالکریم) والوزیر محمود پاشا - و مولی ایاس عبیدالمحمد آغان امراء السلطان مراد خان الغازی و قذاتی بهم من بلادهم و ہم صفار ۸، ہامر پور کشتال ۹ میگوید کہ عدنی را در میان دوشہر مهم صربیی آن روزگار یعنی در بین نو و و بردو ۱۰ و سمندرہ ۱۱

۱ - دایرة المعارف اسلام (چاپ قدیم) در مقالہ محمود پاشا Mahmud Pasha

بقلم J.H.Kramers ج- ۲ ص ۱۴۲ محل تولد او را در شہر کروشہ وانس Krusevac در صربستان مینویسد و تاریخ عالی ج ۴ برك شماره ۱۳۴ (فہرست فلوگل) و چاپ استانبول و قاموس الاعلام اصل او را خروادی و باخروات (یعنی متعلق بہ کراسی کنونی) میدانند

2 - Jankovic S. Basagic : Kratka Uouta : Str. 11 رجوع شود بہ

3 - Abogovic 4 - Chalcocondylas et Ducas

5 - Andjelovic V. D. Branislav, Djurdjeu Jugoslovenske Zemije Pod turskom vlasцу, Zagreb, 1962 Str 21

6 - Bogojevic 7 - ZHBH, 40

۸ - طاشکبری زادہ : الشقائق النعمانیہ فی علماء الدولہ العثمانیہ کہ در حاشیہ و قیات الاعیان اثر ابن خلکان در قاہرہ مکرر چاپ شدہ و ما اینجا از چاپی کہ در سال ۱۳۱۰ طبع شدہ استفادہ کردیم ج ۱ ص ۱۷۲ و بعد

9 - Joseph Hammer Von Purgstall

10 - Novo Brdo

۱۱ - شہرست کہ امروز بدان Smederevo گویند .

اسیر کردند ۱ عدنی يك زندگی پر از فعالیت و موفقیت و همچنین ادبار و تیره بختی داشته است که در اینجا از این قبیل اطلاعات میگذریم ۳ عدنی حامی اهل قلم بوده است و تعداد زیادی از کتب و رسایل با اسم او نوشته اند که بعضی از آنها بفارسی تالیف شده است و در میان آنها تنها از بهجة التواریخ اثر شکرالله و از «التحفه المحمودیه» اثر علاءالدین البسطامی یاد میکنیم ۴ حاجی خلیفه میگوید :

«انوار الاحداق- فارسی للشیخ علی بن محمد الشهیر بمصنفک المتوفی سنه خمس و سبعین و ثمانمائه الفه للوزیر محمود پاشا ۴

عاشق چلبی در تذکره خود ۵ میگوید: «... اگر چه مرحومک اشعاری نفس و اداسی سلیسدر اما انشای شعرندن اعلی خصوصاً نوائی ایله مکاتباتی بی بهانه (کذا) در...» عاشق چلبی تک بیت معروف زیر را در آنجا آورده است:

رخت ز آه دلم گر نهان کنی چه عجب

کسی چگونه نهد شمع در دریچه باد ۶

که هامر آنرا در تاریخ عثمانی بالمانی ترجمه کرده است ۷

سهمی در تذکره خود که با اسم هشت بهشت معروف است چنین میگوید :

«... پارسی و ترکی داده اشعاری دیدر. ظهیر فاریابی قصائدینه و خواجه حافظ

شیرازی غزلیاتیده نظیره دیمیشدر. اشعار مطبوع غزلیاتی مصنوع بکر - سوزلری چون و خاصه مضیلریده نهایت بوق.»

حاجی خلیفه دیوان ترکی عدنی را ذکر میکنند و میگوید: «دیوان عدنی محمود پاشا

ترکی المتوفی سنه ۸۷۹ وله فی الزبده بیت واحد ۸»

حامدی اصفهانی شاعر فارسی گوئی که بترکیه کوچ کرده بود تاریخ فتح مدلی ۹

را چنین گفته :

ج ۱ ص ۵۱۵-۴۳۴ Joseph Hammer Von Purgstall, G.O.R. 1-

۲ - رجوع شود به دایرة المعارف اسلام (چاپ قدیم) و مقاله محمود پاشا بقلم

J.H. Kramers که در آنجا مفصلاً از او صحبت میشود و همچنین ترجمه ترکی معاصر از دایرة المعارف اسلام .

3 - BHIK, 11

۴ - کشف الظنون ج ۱ ص ۱۶۲ و صفحات بعد ...

۵ - این متن ترکی از کتاب پاشا گیج نقل میشود .

۶ - امر جالبی است که این تک بیت را از ترجمه آلمانی ها مرپورگشتال شاعر قرن

۱۹ یوگسلاوی در کتاب خود بنظم در آورده است :

7 - Hammer Von purgstall, G.O.R.I. 434-515

۸ - سهی - هشت بهشت . ص ۳-۲۰ ۵ - کشف الظنون جلد ۱ ص ۸۰۰

۶ - مدلی Mytilene جزیره ایست از جزایر دریای مدیترانه

مدللی فتح شد شه را اگر چه
غنی شد لشکر اسلام و تاریخ

حصار او ز برج چرخ اعلاست
بجهد و همت محمود پاشا است ۱

ولی کاری هنوز مانده است و آن جستجوی دیوان فارسی عدنی و نیز اشعار پراکنده اوست. در دایرة المعارف اسلام (چاپ قدیم بزبان ترکی از او ذکر رفته است و نیز احتمال قوی میرود که ضمن کتابها و رساله های بسیار که یازده سال پیش بمناسبت پانصدمین سال فتح استانبول) در سال ۱۹۵۳ در ترکیه گراور و منتشر شده اطلاعاتی بیشتر درباره محمود پاشا عدنی بدست آید ولی متأسفانه نگارنده این سطور هنوز موفق نشده است آنها را بیابد ۲

۲ - درویش پاشا ۳

اسم پدر درویش پاشا بایزید آغا و محل تولد او شهر موستار در هرزگووین است. تاریخ دقیق تولد او معلوم نیست ولی در هر صورت در اواسط قرن دهم هجری قمری اتفاق افتاده است. در دوره سلطان سلیم الثانی در میان عجمی اغلان هرزگووین بدربار عثمانی آمده بود که در همان موقع محمد پاشا سکولر صدراعظم دولت عثمانی بوده است و در آنجا پیش سودی ۴ و اساتید دیگر در سرای آت میدان معلومات عالیها کسب کرد و آثار ادبیات عربی و فارسی را با اشتیاقی فراوان مطالعه کرد و برای وظیفه که بعد بمعهد او گذاشتند خود را خوب آماده ساخت یعنی برای ترجمه اثر منظومی از فارسی بشمر ترکی که بدرخواست مرادخان سلطان عثمانی بعد از سال ۹۹۵ ه. ق. اقدام کرده است. درباره اسم فارسی این اثر ظاهراً اختلاف نظر در میان مولفین وجود دارد ۵

اینجا فقط از اشعار فارسی درویش پاشا سخن رانده میشود درباره شرح حال او زیاد نوشته شده است و تازه ترین کار در این باب مقاله پاری است (V. J. Parry) طبق رو نوشتی که از وقفنامه او برداشته شده است در دور مهر خود این بیت را داشته است :

یارب کرم تو بحر مواج درویش و غنی بتوست محتاج

- ۱ - نشریه دانشکده ادبیات تبریز - شماره دوم - سال چهارم - (تابستان ۱۳۴۱) ص ۱۸۰
- ۲ - رجوع شود بمقاله های آقای حاج حسین نخجوانی «نفوذ زبان و ادبیات فارسی در ترکیه در دوره آل عثمان» نشریه دانشکده ادبیات تبریز - شماره های اول و دوم سال چهاردهم (۱۳۴۱)
- ۳ - در یوگسلاوی به «درویش پاشا بایزید اعیج» یعنی پسر بایزید آغا معروفست.
- ۴ - در ربیایچه ترجمه خود که با اسم مرادنامه معروفست از استاد خود سودی با احترام کامل ذکر میکند.

۵ - ترکهای عثمانی فرزندان بهترین خانواده های قبیله آ باز در قفقاز و بوسنی و هرزگووین را در بچگی از خانواده هایشان میگردفتند و برای همه گونه سمتهای نظامی و ولتی تربیت میکردند این امتیاز فقط بخانواده های این سه ایالت داده شد.

در اینجا امر جالبی است و آن آوردن اصطلاحات شعر ملی صربو کروات در شعری است که بزبان فارسی سروده است (مثال برای این مدعا . رفع تشنگی بوسیله (آبهای هفت دریا) در اشعار ملی صربو کروات فراوان است)
 در اشعار فارسی و نیز ترکی خود در ویش پاشا از هر گونه تکلیف و تصنع دوری جسته است.
 در نزدیکی بوداپست ۹ دلیرانه در سال ۱۰۱۲ ه. ق جان سپرده است ۴ در تاریخ یچوی (که تالیف یکی دیگر از اهالی یوگسلاوی الاصل آنجا میباشد) مرگ شجاعانه در ویش پاشا هاهرا نه توصیف شده است ، گویا در آخرین لحظات زندگی و موقعیکه درک کرده بود برای او در جزیره ای که آنرا از هر طرف دشمن محاصره کرده است راه نجاتی نیست این بیت را گفته است :

قضا دگر نشود گر هزار ناله و آه ز روی شکرو شکایت بر آید از دهنی
 ده سال پیش از مرگ کتابخانه ای را در شهر مولد خود (موسنار) تاسیس کرده بود که در مبحث کتابخانه های یوگسلاوی که دارای نسخ خطی فارسی هستند ذکر شده است .

۳ - توکلی ده ده

محل تولد او سراپوواست . در قرن یازدهم هجری قمری زندگی کرده است .
 معلومات صوفیانه عرفانی را نزد شیخ عطیق دده مولوی کسب کرد . بعد از مرگ شیخ عطیق دده جانشین او شد و در خانقاه مولوی در سراپووا سالها درس مثنوی میداده است . باظهار غالب ده ده ۴ از او اشعار عارفانه و گفتارهای عاشقانه برای ما مانده است .
 یکی از سالکان او دبرلی وجدی بوده . دبرلی وجدی (یا بهتر بگوئیم : وجدی دبرلی) از شهر دبره در مكدونیا نزدیک مرز آلبانی است . و مجددی دبرالی در شعر و شاعری شهرت فراوانی بدست آورده است و در سال ۱۰۸۰ (برابر با ۱۶۶۹ میلادی) در گذشته است او میبایستی چندین ده سال پیش از مرگ شاگردش وفات یافته باشد . در تذکره های متعددی که بزبان ترکی نوشته اند و خاصه در تذکره های مولویان اشعار بیشتری از توکلی ده ده باید جست و جوی اینکاری است که فقط در کتابخانه های ترکیه و مخصوصا در استانبول میتوان انجام داد این شعر از اوست :

همچو غواصان مفلس از برای گوهری زحمت دریای مردم خواری باید کشید
 جوهر نااهل و ناهموار بهر او کشم بهر يك گل زحمت صد خار می باید کشید
 توکلی ده ده در سراپوو در گذشته است و بنا بر بعضی روایات در سال ۱۰۳۵ ه . ق این امر اتفاق افتاد و در جوار مسجد تساره ۷ و اجامبیا در سراپوو بخاک سپرده شد .

۱- بوداپست پایتخت فعلی مجارستان

۲- آقای شبانودها در مقاله خود تحت عنوان «کتابخانه غازی خسرو بيك که در مجله Bibbiotekar بشماره ۱ و ۲ سال ۱۹۵۶ چاپ کرده تاریخ مرگ د ویش پاشا را ۱۶۱۱ مینویسد .

۳- تلفظ آن «ده ده» است ۴- غالب ده ده . تذکره شعرای ولویه در حرفت

۵- Deber ۶- باشا گیچ در کتاب خود BHİK,73 - ۷ Careue Gamiga یعنی مسجد شاه

در آخر و قننامه خود این دور باعی را نوشته است و احتمال قوی می رود که ساخته
قریحه شاعری او باشد

دارم گنهی و قطره باران بیش
آواز آمد که سهل باشد درویش

و نیز
یارب ز کرم بر من دیش نگر
هر چند نیم لایق بخشایش تسو

احتمال قوی می رود که در کتابخانه های ترکیه و نیز در بعضی از مجموعه های اشعار
شعرای کلاسیک عثمانی که در آنجا طبع شده بتوان اشعار دیگری را پیدا کرد ولی در حال حاضر
باید از بلبلستان شیخ فوزی الموستاری کمک گرفت زیرا در آن اثر فوزی درباره درویش پاشا
چنین میفرماید :

درویش پاشا رحمه الله علیه از گزیده ارباب و زبده اصحاب بسالت است ، و همه
اشعار وی نکته آمیز و رشحات کلکش ابهام ریز است . دو دیوان دارد . یکی فارسی و یکی
ترکیست هر دو لطیف و معنی دار و ظریف و نکته شعاریست . دو بار بیوسنه والی شده و سالی چند
نیز دراکره محافظ بوده .

چنین مشهور است که از گزیده اولیاء الله بود و به یادگار حضرت مولانا مثنوی را
تنظیر کرد جزئی دو ساخت . شبی در خواب مولانا را دیده و وی را گفته - ای درویش کتاب من
هرگز تنظیر نپذیرد ، از این سودا باز شو و آنکه فارغ شده و آن دو جزء که نوشته من آنرا
دیدم بسیار معنی دار و لطیف بود . فقیر چنین پندارم که از وزرا آن چنان کامل و دانا نیامده
است و از جمله اشعار وی است :

اگر آن سرو قد سازد مشرف خانه ما را
نثار مقدمش دارم همه دنیا و عقبا را

نگردد تشنگی عشق زائل از دل تشنه
اگر نوشد بیک دم آبهای هفت دریا را

بیک غمزه ر بوده ترك چشم تو هزاران دل
کسی هرگز ندیده در جهان این گونه بغمارا

اگر میل جمال دلبران دارم عجب نبود
چو آدم کونیا شد جان بخش روی زیبا را!

نظر کن بر دل درویش و رحم آورده خوبان
نصیحت بشنو و ضایع مگردان پندانا را

(الخ)

منابع :

- ۱ - منجم باشی . تاریخ اسلام ج ۳ - ص ۴۰۰ چاپ ۱۲۸۵ استانبول
- ۲ - خواجه زاده - تاج التواریخ - ج ۱ - ص ۵۵۱-۵۵۳ چاپ ۱۲۷۹ استانبول
- ۳ - تاریخ عالی - ج ۴ - برک ۱۵۰
- ۴ - عاشق پاشا - تذکرة الشعراء ص ۱۵۰-۱۹۱
- ۵ - مجدی - حدائق الشقائق ص ۱۹۶
- ۶ - کنالی زاده - تذکرة الشعراء - در حرف (ع)
- ۷ - قاموس الاعلام ج - ص ۴۲۲۳

۸ - B.H.I.K ۹ - Malic 57 et suivanles

۱۰ - Chalcocondylas et Ducas

حکومت جهانی

خواسته و آمال و آرزوهای آنها بیک جهت سوق داده شود شاید بتوان مسأله وحدت حکومت را بنحو کامل اجرا کرد لیکن این عمل از نظر عقلی غیر ممکن بنظر میرسد.

بنابراین و با توجه به مطالب فوق و بررسی علل اساسی نابسامانی جوامع بشری و رعب و هراس از آینده دنیا میتوان طریق و روشی برگزید که عجلاننا دنیا از رعب و هراس و تحیر و سرگردانی نجات یابد و سپس مسائل غامض و مشکل را متدرجا حل و موجبات آنرا برطرف کرد بدو زمامداران دنیا بویژه کشور های مقتدر و قوی باید بدانند که افراد بشر عضو یک پیکرند و حق حیات و زندگی و استفاده از مواهب طبیعی دارند و انسانها همه برابرند و با حفظ رژیم های محلی و حکومت های منطقه تریبی دهند که برای تمام ملتها بدون در نظر گرفتن نژاد و مذهب و اخلاق بتوانند زندگی نمایند و از مواهب زندگی برخوردار باشند افسانه های تعالی و برتری نژاد را کنار گذارند و در ترقی و توسعه تمدن بشری همه با هم گام بردارند.

اختلافات طبقاتی را براندازند تبعیض های بی جا و جاهلانه را کنار گذارند تفرعن و خودخواهی و غرور را از خود دور کنند تشکیلات قوی و مسلح به سلاح اخلاق بوجود آورند کلیه مسائل مورد اختلاف ملل را رسیدگی نمایند و لااقل اقتصاد واحدی در سرتاسر دنیا برقرار کنند افراد بشر برای دنیا خلق شده اند و دنیا برای همه، تزویر، ریا و حیله را بیک سو نهند با اخلاق و انسانیت پای بند شوند و گرنه با سازمانهای موجود و روشی که دارد و سیاست بازی و دروغ و حیله و ریاکاری انجام نخواهد شد مادام که فکر برتری های نژادی و مذهبی باضافه حس جاه طلبی و جهانگیری در مغزها باشد این مسأله مهم تحقق نخواهد پذیرفت.

فکر حکومت جهانی یکی از افکار بسیار قدیمی است در نزد روایان و جز آنها دیده میشود لکن عوامل دیگر خلاف این را خواسته است. بایک نظر دقیق به مبارزات سیاسی و اجتماعی در این جهان و علل و اسباب آن معلوم خواهد شد که شیاطین بزرگی در این دنیا بوده و خواهند بود که بمنظور تحقق بخشیدن بامیال خود گرچه به بهاء نابودی دنیا تمام شود چه کارها کرده اند و چه جنایاتی مرتکب شده اند و باین ترتیب معلوم نیست فکر حکومت جهانی به چه نحو تحقق پذیر باشد آنچه مسلم است بشریت باید در این راه قدم بردارد و با مبارزات دنباله دار در طی قرون متمادی این آخرین هدف و ایده بشری را تحقق بخشد با ترقی و توسعه علوم و صنایع میبایست جنبه های اخلاقی و انسانی را در جوامع بشری مورد توجه قرار دهد با کمال تأسف هر اندازه علوم و صنایع و بالاخره تمدن بشری توسعه و ترقی یافته است اخلاق انسانها انحطاط پیدا کرده و جنبه های انسانی رخت بر بسته است امید است که آینده بشر مقرون به سعادت و رفاه باشد.